انگلیسی در سفر (۱)





فصل هشتم Directions قسمت اول

www.sayraelt.ir

Warm up

When you're in a country you don't know, you can easily get lost at some point during the trip, even if you have a map. So it's really useful to know how to ask for and understand directions in English so you can reach your destination. It's also great to be able to give directions yourself to tourists or foreign colleagues.

وقتی در کشوری هستید که نمیشناسید، می توانید در طول سفر به راحتی گم شوید، حتی اگر نقشه داشته باشید. بنابراین بسیار مفید است که بدانید چگونه مسیرها را به زبان انگلیسی بپرسید و بفهمید تا بتوانید به مقصد خود برسید. همچنین عالی است که بتوانید خودتان به گردشگران یا همکاران خارجی راهنمایی بدهید.

Conversation

Woman: Excuse me?

Man: Yeah?

Woman: I'm sorry to bother you¹, but I'm completely lost. Are you from here²?

Man: Where are you trying to get to³?

Woman: Well, I was looking for the art museum, but I think I've taken a wrong

turn⁴ somewhere.

Man: I think so! You're miles away.

Woman: Really? This always happens to me. Directions are just not my thing⁵, I suppose.

Man: I think the best thing is to take a bus. It'll take ages⁶ if you walk from here.

Woman: That's a shame... I wanted to walk around and get a feel for the city⁷.

Man: I wouldn't worry—there's nothing to see around here, anyway. Take the bus into the center and walk around there—it's much more interesting.

Woman: Oh, okay. Where can I take the bus?

Man: It's about five minutes' walk from here. You see that hotel, on the corner, there?

Woman: The one that says "Royal Hotel"?

Man: That's right. Go down that street to the end, and then turn right. Take the first left⁸ and go on until you see a junction⁹ with traffic lights¹⁰. Go over the junction, keep going straight, and you'll see a bus stop on your left.

Woman: Go to the end, first left, turn right at the traffic lights...

Man: No, no. Go straight on, past the traffic lights.

Woman: Oh! Yes, and then...

Man: It'll be on your left.

Woman: Right! Got it 11, I think...

Oh, one more thing, Pardon me; is there a bank around near? I need also to exchange some money.

Man: Yeah, there's one on this street, just keep walking straight for two blocks¹² and you'll see it. Oh... You know there's also a currency exchange place not too far from here...

Woman: How do I get there?

Man: It's just one block past the bank that I told you about. When you come to the bank, just keep going straight. Well, you can always ask someone else. Good luck!

Woman: Perfect. Thanks for your help!

زن: ببخشید؟

مرد: بله؟

زن: ببخشید که مزاحم شما شدم، اما من کاملا گم شدم. شما اهل اینجا هستی؟

مرد: به کجا می خواهی برسی ؟

زن: خوب، من به دنبال موزه هنر بودم، اما فكر مى كنم يك جايى اشتباه كردم.

مرد: فكر مي كنم همينطور است! شما فرسنگ ها دور هستيد.

زن: واقعا؟ این همیشه برای من اتفاق می افتد. گمان کنم در پیدا کردن مسیر خوب نیستم.

مرد: فكر مى كنم بهترين كار اين است كه سوار اتوبوس شويد. اگر از اينجا پياده بريد خيلى طول مى كشد.

زن: شرم آور است... مى خواستم قدم بزنم و شهر را ببينم وبا اينجا اشنا بشوم.

مرد: نمیفهمم - اینجا چیزی برای دیدن وجود ندارد. با اتوبوس به مرکز بروید و در آنجا قدم بزنید - خیلی جالب تر است.

زن: اوه، باشه. كجا مي توانم سوار اتوبوس شوم؟

مرد: از اینجا حدوداً پنج دقیقه پیاده راه است. آن هتل را می بینی، ان گوشه ، آنجا؟

زن: اونی که میگه هتل روبال؟

مرد: درست است. از آن خیابان تا انتها بروید و سپس به راست بپیچید. به اولین خیابان در سمت چپ ا بروید و تا زمانی که یک تقاطع با چراغهای راهنمایی را ببینید ادامه دهید. از تقاطع عبور کنید، مستقیم به راه خود ادامه دهید و یک ایستگاه اتوبوس در سمت چپ خود خواهید دید.

زن: تا انتها برم، اولین خیابان سمت چپ، در چراغ راهنمایی به راست بپیچم...

مرد: نه، نه. مستقیم بروید، از چراغ های راهنمایی بگذرید.

زن: اوه! بله و بعد...

مرد: سمت چپ شما خواهد بود.

زن: درسته! فهمیدم ، فکر می کنم...

اوه، یک چیز دیگر، ببخشید. آیا یک بانک در اطراف وجود دارد؟ همچنین باید مقداری پول مبادله کنم،

مرد: بله، یکی در این خیابان وجود دارد، فقط دو بلوک مستقیم راه بروید و آن را خواهید دید.

اوه... میدونی یه صرافی هم هست نه چندان دور از اینجا...

زن: چگونه به آنجا برسم؟

مرد: فقط یک بلوک قبل از بانکی که بهت گفتم. وقتی به بانک آم<mark>دید، فقط</mark> مستقیم به راه خود ادامه دهید. خوب، شما همیشه می توانید از شخص دیگری بیرسید. موفق باشید!

زن: عالى. با تشكر از كمك شما!

Conversation tips:

- 1. I'm sorry to bother you = a very polite way to introduce a request or a question, often used when talking to people you don't know.
 - 2. Are you from here? = Do you live in this area?
 - 3. Get in this sentence means "go" or "arrive".
 - 4. I've taken a wrong turn = I went the wrong way, so now I'm lost.
 - 5. If something isn't your thing, then you aren't very good at it.
 - 6. It'll take ages = It'll take a long time.
 - 7. Get a feel for the city = spend time looking around the city, so you become familiar with it.

- 8. Take the first left = turn at the first street on the left.
- 9. A junction = a place where two or more streets cross.
- 10. Traffic light: a set of lights that controls the traffic on a road. The red, orange and green lights show when you must stop and when you can go.
- 11. Got it = I understand.
- 12. Block: the length of one side of a piece of land or group of buildings, from the place where one street crosses it to the next.

۱.متاسفم که مزاحم شما شدم = روشی بسیار مودبانه برای معرفی یک درخواست یا سوال، که اغلب هنگام صحبت با افرادی

که نمی شناسید استفاده میشود.

٢.اهل اينجا هستي؟ = آيا شما در اين منطقه زندگي مي كنيد؟

۳. کلمه **get** در این جمله به معنای رفتن یا رسیدن است.

۴. من یک مسیر اشتباه رفته ام = راه را اشتباه رفتم، پس اکنون گم شده ام.

۵. اگر چیزی مورد علاقه شما نیست، پس در آن خیلی خوب نیستید.

۶. عمری طول میکشه= خیلی زیاد طول میکشه

۷. زمانی را صرف گشتن در شهر کنید تا با آن آشنا شوید.

۸. در اولین خیابان به سمت چپ بپیچید.

٩. تقاطع = محل تلاقی دو یا چند خیابان.

۱۰. چراغ راهنمایی: مجموعه ای از چراغ ها که ترافیک یک جاده را کنترل می کند. چراغ های قرمز، نارنجی و سبز نشان

می دهد که چه زمانی باید توقف کنید و چه زمانی می توانید بروید.

۱۱. فهمیدم.

۱۲. بلوک: طول یک ضلع زمین یا گروه ساختمان از محل عبور یک خیابان تا خیابان بعدی.

Exercise

| Choose the correct, r conversation: | nost natural-soui | nding respons | ses according | g to the co | ontext of | the |
|--|-------------------------|---------------------------|----------------|-------------|-----------|---------|
| 1. You: Pardon me, Near close | | around | ? | | | |
| Person on street: Yes blocks and you'll see | | this street, j | ust keep wal | king strai | ght for t | wo |
| 2. You: Which | of th | ne street is it o | on? | | | |
| Part | side | location | | | | |
| Person on street: It's | on this side Ar | re you looking | g for a partio | cular bank | x? | |
| 3. You: No, no | | ill do. I just r uch a | need to excha | ange some | money. | |
| Person on street: Oh here | You know the | re's also a cui | rency excha | nge place | not too f | ar from |
| 4. You: Oh there is come to | ? How do I get there | get ? | | | | |
| Person on street: It's to the bank, just keep | | ast the bank | that I told yo | ou about. \ | When yo | u come |
| 5. You: Perfect. The | anks for some | _ help! | for y | our | | |

Grammar

1. Present perfect

The present perfect is a tense that links the past to the present in some way. That can mean talking about your life experience until now, or describing an action that started in the past and continues in the present, or talking about a recent event that is relevant to now. The key thing is that we never use a finished time with the present perfect (unlike the simple past), such as yesterday, last week, in 1995. Instead we use an unfinished time expression, like today, this week, this year, in your life.

زمان حال کامل زمانی است که گذشته را به نحوی به حال پیوند می دهد. این می تواند به این معنا باشد که شما می توانید:

- در مورد تجربه زندگی خود تا به حال صحبت کنید،
- یا توصیف عملی که در گذشته شروع شده و در حال ادامه دارد،
 - یا صحبت در مورد یک رویداد اخیر که مربوط به حال است.
- ✓ نکته کلیدی این است که ما هرگز از زمان تمام شده با زمان حال کامل استفاده نمی کنیم (برخلاف گذشته ساده)، مانند دیروز، هفته گذشته، در سال ۱۹۹۵. به جای آن، از یک عبارت زمانی ناتمام استفاده می کنیم، مانند

امروز، این هفته، امسال، در زندگی تو.

ساختار حال كامل

زمان حال کامل با شکل حال فعل \mathbf{ed} به علاوه شکل سوم افعال درست می شود. با اضافه کردن \mathbf{ed} به انتهای اکثر افعال می توان شکل سوم ($\mathbf{past\ participle}$) ساخت \mathbf{ed} (برای افعال باقاعده)

💠 لیست افعال بی قاعده و شکل سوم ان ها در اخر ضمیمه شده است.

Subject + have/has + past participle

She has lived in Tehran all her life.

Website: www.sayraelt.ir

او تمام عمرش را در تهرا ن زندگی کرده است. (و الان هم زندگی می کند.)

سوالي كردن

برای سوالی کردن زمان حال ساده کامل تنها کافی است جای فاعل و فعل کمکی (have/has) را با هم عوض کنیم. اگر بخواهیم با واژههای wh پرسشی کنیم، باید ابتدا جمله خبری را به سوالی تبدیل کنیم، بعد قسمتی از جمله را که میخواهیم دربارهاش سوال کنیم حذف می کنیم و واژه پرسشی مورد نظر را در ابتدای جمله قرار می دهیم.

Has she lived all her life in Tehran?

منفى كردن

جملاتی با این زمان تنها با قراردادن not بعد از فعل کمکی (have/has) و قبل از فعل اصلی انجام می گیرد.

She has not lived all her life in Tehran.

Exercise

1. She hasn't her car since she hadn't accident.

Drive driving driven

2. Behzad lost his key in the street.

Have had has

3. He has never these kind of pizza.

Ate eaten eat

4. Reza two foreign languages since he moved to Canada.

has studied study studied

5. They lived here for years.

are not have not has not

Irregular Verbs List

This is a list of some irregular verbs in English. Of course, there are many others, but these are the more common irregular verbs.

| V1 Base Form | V2 Past Simple | V3 Past Participle | |
|-----------------|------------------------|------------------------|--|
| awake | awoke | awoken | |
| be | was, were | been | |
| beat | beat | beaten | |
| become | became | become | |
| begin | began | begun | |
| bend | bent | bent | |
| bet | bet | bet | |
| bid | bid | bid | |
| bite | bit | bitten | |
| blow | blew | blown | |
| break | broke | broken | |
| bring | brought | brought | |
| broadcast | broadcast | broadcast | |
| build | built | built | |
| burn | burned <i>or</i> burnt | burned <i>or</i> burnt | |

| V1 Base Form | V2 Past Simple | V3 Past Participle | |
|-----------------|-------------------|--------------------------|--|
| buy | bought | bought | |
| catch | caught | caught | |
| choose | chose | chosen | |
| come | came | come | |
| cost | cost | cost | |
| cut | cut | cut | |
| dig | dug | dug | |
| do | did | done | |
| draw | drew | drawn | |
| dream | dreamed or dreamt | dreamed <i>or</i> dreamt | |
| drive | drove | driven | |
| drink | drank | drunk | |
| eat | ate | eaten | |
| fall | fell | fallen | |
| feel | felt | felt | |
| fight | fought | fought | |
| find | found | found | |

| V1 Base Form | V2 Past Simple | V3 Past Participle |
|-----------------|-------------------|------------------------|
| fly | flew | flown |
| forget | forgot | forgotten |
| forgive | forgave | forgiven |
| freeze | froze | frozen |
| get | got | got (sometimes gotten) |
| give | gave | given |
| go | went | gone |
| grow | grew | grown |
| hang | hung | hung |
| have | had | had |
| hear | heard | heard |
| hide | hid | hidden |
| hit | hit | hit |
| hold | held | held |
| hurt | hurt | hurt |
| keep | kept | kept |
| know | knew | known |

| V1 Base Form | V2 Past Simple | V3 Past Participle |
|-----------------|-------------------|--------------------------|
| lay | laid | laid |
| lead | led | led |
| learn | learned or learnt | learned <i>or</i> learnt |
| leave | left | left |
| lend | lent | lent |
| let | let | let |
| lie | lay | lain |
| lose | lost | lost |
| make | made | made |
| mean | meant | meant |
| meet | met | met |
| pay | paid | paid |
| put | put | put |
| read | read | read |
| ride | rode | ridden |
| ring | rang | rung |
| rise | rose | risen |

| V1 Base Form | V2 Past Simple | V3 Past Participle |
|-----------------|-------------------|------------------------|
| run | ran | run |
| say | said | said |
| see | saw | seen |
| sell | sold | sold |
| send | sent | sent |
| show | showed | showed <i>or</i> shown |
| shut | shut | shut |
| sing | sang | sung |
| sink | sank | sunk |
| sit | sat | sat |
| sleep | slept | slept |
| speak | spoke | spoken |
| spend | spent | spent |
| stand | stood | stood |
| stink | stank | stunk |
| swim | swam | swum |
| take | took | taken |

| V1 Base Form | V2 Past Simple | V3 Past Participle | |
|-----------------|-------------------|-----------------------|--|
| teach | taught | taught | |
| tear | tore | torn | |
| tell | told | told | |
| think | thought | thought | |
| throw | threw | thrown | |
| understand | understood | understood | |
| wake | woke | woken | |
| wear | wore | worn | |
| win | won | won | |
| write | wrote | written | |



سایرا یک اپلیکیشن آموزش زبان انگلیسی در بستر اندروید است که شما می توانید زبان انگلیسی را با استفاده از آن در قالب تمرین های استاندارد تعاملی، چند مهارتی و هوشمند فرا بگیرید.

از مولفه های اصلی سایرا، استفاده از روش CLT ، محتوای تولید شده ی بومی و استاندارد، ارائه دروس روزانه رایگان، لیگ کاربران، آنالیز آموزش و یادگیری، استفاده از گیمیفیکیشن، مشاوره ی سیستمی و استفاده از زبان فارسی به عنوان راهنمای یادگیری می باشد.

شما می توانید اپلیکیشن سایرا را از وبسایت ما یا بازار و مایکت به سادگی دریافت نمایید و وارد دنیای جدید زبان آموزی شوید.



Website: www.sayraelt.ir



همچنین می توانید با دنبال کردن صفحات ما در اینستاگرام و آپارات

از ویدئو های آموزشی ما استفاده نمایید.

@Sayraelt.ir @sayralyrics
www.aparat.com/sayraelt_official



در صورت بروز هر گونه مشکل با شماره ی ۹۱۱۴۲۵۰۲۸۵ تماس حاصل فرمایید.